

## ● گزارش

### کنفرانس ایران در مرحله گذار

گرفت.

در مجموع بیشتر سخنرانی‌های عرضه شده، بر محور ضرورت لغو تحریم تجاری آمریکا و برقراری روابط اقتصادی و تجاری بین دو کشور دور می‌زد. اکثر سخنرانان سعی داشتند بجای برخوردهای خصمانه و شعارگونه در حد امکان، با دلایل و شواهد علمی و واقع‌بینانه به مسائل ایران بنگرند. آنها ضمن اشاره به مشکلات موجود و عدم بهره‌برداری به موقع و صحیح از فرصت‌ها و امکانات موجود، معتقد بودند که برنامه اقتصادی آقای رفسنجانی، بویژه برنامه پنج ساله اول، موفقیت‌های نمایانی داشته و ایران دارای توان بالای اقتصادی، بخصوص از حیث منابع غنی نفت و گاز و نیروی کارگر و متخصص در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی می‌باشد، ولی در عین حال نیازمند به جلب سرمایه و تکنولوژی پیشرفته خارجی برای توسعه صنعت نفت و گاز و در کل اقتصاد کشور است.

در این کنفرانس که توسط "شرکت نفتی پتروهانت"، با همکاری "مؤسسه مطالعه انسان و زمین" دانشگاه متدیست جنوبی دالاس در دوم مه ۱۹۹۶ برپا شد، قریب به ۲۰۰ تن از شخصیت‌های علمی، سیاسی و نمایندگان شرکت‌های بزرگ نفت و گاز و انرژی، پژوهشگران برخی از مؤسسات بزرگ تحقیقاتی، تعدادی از خبرنگاران ایرانی و خارجی و بعضی از مقامات نمایندگی‌های سیاسی حضور داشتند که تقریباً یک سوم آنها ایرانی بودند. موضوع اصلی کنفرانس "ایران در مرحله گذار" بود که تحت آن پنج بحث محوری در رابطه با شرایط "اقتصادی، سیاسی و نفتی ایران" و همچنین "سیاست تحریم آمریکا" و "فرصت‌های آینده در ایران" طی پنج جلسه شامل ۱۵ سخنرانی و پنج جمع‌بندی همراه با چهار سخنرانی کلی توسط سخنرانان مهمان در مراسم گشایش کنفرانس عرضه شد که از این مجموع ۱۱ سخنرانی و ۳ جمع‌بندی توسط اساتید و متخصصان ایرانی صورت

مرکب از گروه‌های مختلف قومی و مذهبی در واقع کانون فرهنگی غرب آسیاست. بخش عظیمی از ذخایر نفت و گاز جهان در این کشور واقع شده و آن را تبدیل به یکی از مهم‌ترین منابع انرژی جهان نموده‌است. هانت یادآور شد که ایران نه تنها از نظر اقتصادی و استراتژیکی، بلکه از نظر سیاسی و امنیتی و عمدتاً مسئله اسلام و بنیادگرایی اسلامی، دارای اهمیت جهانی می‌باشد؛ زیرا هر اتفاقی که در این کشور واقع شود بر همه جهان تأثیر می‌گذارد و به همین جهت همه ناظران و متخصصان نسبت به درک مسائل ایران حساسیت نشان می‌دهند و برگزاری این کنفرانس نیز در همین رابطه است. لذا مقامات فعلی و سابق آمریکا و متخصصان در این محل گردآمده‌اند که تحولات آینده ایران را مورد بررسی قرار دهند و معلوم سازند که کدام یک از سه سناریوی زیر محتمل‌تر به نظر می‌رسند: ۱. وضع فعلی ایران ادامه خواهد یافت؛ ۲. رژیم اسلامی، روش پراگماتیک‌تری در پیش خواهد گرفت و با ممالک منطقه و جهان رابطه نزدیک برقرار خواهد کرد؛ ۳. رژیم فعلی باید عوض شود. البته قرار بود مازک پریس، دستیار ویژه کلیتوتون در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا در شورای امنیت ملی در این جلسه شرکت کند و سخنرانی کلیدی و آغازین کنفرانس را عرضه کند، ولی نتوانست حاضر شود و به جای وی استیو گراومن سخنرانی نمود.

از نکات قابل توجه در این کنفرانس، حضور مقامات اسبق و فعلی دولتهای پیشین و کنونی آمریکا در جلسات بود. مقامات دولت فعلی از وزارت خارجه و شورای امنیت ملی حضور داشتند که به توجیه سیاستهای دولت آمریکا علیه ایران پرداختند. ژنرال برنت اسکوکرافت مشاور امنیتی جerald فورد و جرج بوش و همچنین رابرت ماسباکر (ماسباخر) وزیر بازرگانی دولت بوش، به عنوان سخنرانان میهمان مطالبی در مخالفت با تحریم اقتصادی و تجاری علیه ایران و علیه سیاست کلیتوتون در این زمینه عرضه کرده و خواهان بهبود روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف شدند. فزازهایی از سخنرانی‌های عرضه شده همراه با خلاصه‌ای از برنامه پرسش و پاسخ و جمع‌بندی کلی از هر جلسه در ذیل ارائه می‌شود.

### ۱. افتتاحیه

قبل از شروع جلسات اصلی و پنجگانه کنفرانس دو سخنرانی یکی توسط هربرت هانت، رئیس کنفرانس و دیگری توسط استیو گراومن از شورای امنیت ملی آمریکا عرضه شد.

### الف) اهمیت برگزاری کنفرانس

هانت در ابتدا با تأکید به اهمیت برگزاری این کنفرانس، به اهمیت ایران از لحاظ تاریخی، فرهنگی و استراتژیکی پرداخته و متذکر شد که ایران با فرهنگ پیشرفته و به عنوان گهواره تمدن بشر و واقع شدن در یک منطقه مهم استراتژیکی با بیش از ۶۰ میلیون جمعیت،

## ب) توجیه سیاست کلیتون در قبال ایران

گراومن، مشاور کلیتون در شورای امنیت ملی و مسئول اسبق امور تروریسم در وزارت خارجه و پژوهشگر سابق مؤسسه واشنگتن برای مطالعات خاور نزدیک و متخصص ایران در دولت فعلی، در توجیه سیاست دولت کلیتون در قبال ایران سخن گفت. نامبرده متذکر شد که سیاست کلیتون در مورد ایران مجموعه‌ای از سیاستهای مختلف است و حکومت تهران باید از این موقعیت با ارائه رفتار خوب بهره‌برداری کند و یا با برخورد جدی دولت آمریکا مواجه شود. بکارگیری سیاست فعلی عمدتاً به این دلایل است:

۱. بخاطر رفتار ایران نه بخاطر ماهیت رژیم یا ماهیت ایدئولوژیکی و شخصیت‌های حاکم در این کشور می‌باشد؛

۲. هدف سیاست دولت آمریکا سرنگونی رژیم تهران نیست؛

۳. رفتار ایران در صورت تغییر یافتن می‌تواند برخورد واشنگتن نسبت به تهران را تغییر دهد؛

۴. چنانچه ایران رفتارش را عوض نکند، بهایش را باید بپردازد.

سخنران به تکرار همان اتهامات دولت آمریکا علیه ایران پرداخته و گفت: "حمایت ایران از تروریسم، مخالفت با صلح خاورمیانه، کمک مستقیم به حماس، جهاد اسلامی، حزب الله، همچنین تلاش برای دستیابی به سلاحهای هسته‌ای و کشتار جمعی و نقض حقوق بشر و غیره باعث موضع‌گیری جدید دولت کلیتون

علیه تهران شده‌است."

طی سه سال و نیم گذشته دولت آمریکا بسیار کوشیده است تا ایران را وادار به تغییر رفتار کند ولی این خواسته تأمین نشده و اروپا هم از سیاست تجارت همراه با گفتگوهای انتقادی نیز نتیجه‌ای نگرفته است. دولت کلیتون سرانجام تصمیم به اعمال فشار تجاری گرفت، هرچند که کاملاً موفق نبوده، ولی توانسته فشارهایی اقتصادی بر ایران وارد سازد. البته رابطه تجاری ایران با اروپا و بویژه با روسیه باعث شده که سیاست تحریم چندان موثر واقع نشود، هرچند تا حدی بر اقتصاد ایران فشار وارد کرده‌است.

وی در ادامه اظهارات خویش ضمن تأکید به ادامه تحریم جهت وادار کردن ایران به تغییر رفتار داخلی و خارجی گفت که دولت کلیتون در عین حال درهای گفتگو با ایران را بسته است و از همان اول نیز خواهان گفتگو بدون هیچ‌گونه پیش شرط بوده ولی ایران نپذیرفته است. نامبرده ضمن مؤثر بودن بعضی از سیاستهای دولت آمریکا علیه ایران، به لایحه تحریم تجاری شرکتهای مرتبط با ایران به عنوان نمونه‌ای از تشدید سیاست تحریم اشاره کرده و گفت: "دولت کلیتون سعی دارد روسیه را نیز ترغیب به عدم همکاری با ایران نماید."

وی در پایان خاطر نشان کرد که ایران و آمریکا صد سال روابط مفید و مثمر ثمر داشته‌اند و دولت فعلی آمریکا به دنبال یافتن راههایی جهت اعاده روابط گذشته می‌باشد، ولی این راهی است که نباید یک‌طرفه باشد.

پس از خاتمه اظهارات وی، دکتر هوشنگ امیر احمدی خطاب به وی گفت که دولت آمریکا در ادعای خود در مورد گفتگو با ایران جدی نیست؛ زیرا فرصتهایی پیش آمده بود که از آن استفاده نکرد.

استیو گراومن در پاسخ گفت: "گفتگو بین مقامات دو کشور مقدمات اولیه لازم دارد." گراومن در پاسخ به سئوالات مربوط به تسلیحات ایران گفت دولت کلینتون بشدت نسبت به این مسئله حساس است.

## ۲. جلسه اول: شرایط اقتصادی ایران

در این جلسه سه سخنرانی به صورت زیر عرضه شد:

### الف) از مرحله بدون بدهی تا مرحله گرفتار در بدهی، مرحله گذار مسئله دار

این سخنرانی توسط فیروز وکیل از شرکت لازارد فرز پاریس صورت گرفت.

دکتر وکیل سعی نمود نشان دهد که با توجه به بدهی‌های خارجی ایران، این روند گذار یک روند منفی است و احتمالاً حالت بدتری بخود خواهد گرفت. به نظر وی دولت اسلامی از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ در ادامه همان سیاستهای رژیم قبلی مبنی بر محدود کردن بدهی‌های خارجی، جمعاً ۶ میلیارد دلار بدهی داشت، ولی با شروع برنامه پنج ساله اول، وابستگی به وامهای خارجی شروع شد تا جایی که سطح بدهی‌های خارجی ایران به ۲۷/۴ میلیارد دلار رسید.

دکتر وکیل سه دلیل عمده را در مورد افزایش بدهی‌ها بر شمرده: ۱. نیاز مالی برای بازسازی؛ ۲. وابستگی فزاینده به منابع نفتی؛ ۳. نوسانات درآمد نفت. به نظر وی کاهش قیمت نفت بین ۱۹۹۲-۱۹۹۴ و فشارهای جهانی آمریکا باعث شد ایران با ابتکار جدیدی مسئله بازپرداخت بدهی‌های خود با نرخ بهره جدید را دنبال کند و با فداکردن رشد اقتصادی بتواند تعهدات خود را در مورد بدهی‌های خارجی تا حدی به انجام برساند، ولی کاهش درآمد نفت و نیاز مالی روند بازسازی، میزان بدهی‌های خارجی را چهار برابر گذشته بالا برد. احتمالاً ایران تا ۱۹۹۹ سالیانه ۵ تا ۶ میلیارد دلار باید بابت بازپرداخت بدهی‌ها صرف کند. وی در پایان نتیجه گرفت که انتقال ایران از یک کشور بدون بدهی به صورت یک کشور بدهکار واقعیتی است که تا قرن ۲۱ ادامه خواهد یافت و ایران تا مدتی گرفتار رکود اقتصادی شده و جلب اعتبار و وامهای خارجی خدشه دار خواهد شد. به نظر سخنران این مشکل تنها در صورتی بر طرف می‌شود که درآمد نفت افزایش یابد؛ بازسازی عمده پتانسیل تولیدی ایران در بخش غیردولتی صورت گیرد؛ و بخش صادرات غیرنفتی توسعه یابد. بخش نفت و گاز تنها بخشهایی هستند که امکان جلب سرمایه‌گذاری خارجی در آنها زیاد است. از طرفی وامهای بلندمدت و میان مدت برای بخشهای غیرنفت و گاز غیرمحتمل به نظر می‌رسد و خلاصه اینکه بدون لغو تحریم آمریکا احتمال سرمایه‌گذاری خارجی در ایران کم است. به نظر دکتر وکیل

خارجی خود را بپردازد و جلوی واردات را بگیرد و رشد مصرف را کاهش دهد.

وی آنگاه به سیاست تثبیت نرخ ارز اشاره کرد و گفت: "افزایش تورم باعث برهم خوردن سیاست تثبیت نرخ ارز می‌شود." به نظر وی تورم فعلی در ایران ۶۰ درصد است و سیاست جاری دولت تا حدی تورم را کاهش داده و این کاهش تا سال آینده ادامه خواهد داشت.

دکتر پسران معتقد است که سوء مدیریت، مخرب‌ترین عامل علیه اقتصاد ایران است و حرکت ناهماهنگ و زیگزاگ و جنگهای جناحی به ضرر اقتصاد ایران است. سخنران کل نتیجه گرفت که رشد مصرف و سوء مدیریت عوامل مهمی هستند که به اقتصاد ایران ضربه می‌زنند نه فشارهای آمریکا. هر وقت ایران وام می‌گیرد میزان مصرف داخلی هم بالا می‌رود که به رشد اقتصاد ضربه می‌زند. به نظر وی، ایران در دوره قاجار نیز مشکل وامهای خارجی و بالارفتن مصرف داخلی را داشته است. لذا سوء مدیریت، جنگهای جناحی و افزایش بی‌رویه مصرف و عدم کنترل واردات به اقتصاد ایران ضربه می‌زنند نه فشار آمریکا.

### پ) عملکرد اقتصادی کلان ایران

این سخنرانی توسط محسن فردی، اقتصاددان بانک جهانی ایراد گردید. دکتر فردی سه موضوع را طی اظهارات خویش دنبال کرد: عملکرد اقتصاد ایران از ۱۹۷۹ به بعد، تشریح سیاست اقتصادی ایران و

احتمال لغو تحریم تا سال ۲۰۰۰ صفر است، احتمال وامهای بلند و میان مدت ۱۵ درصد، احتمال توسعه بخش صادرات ۱۰ درصد، احتمال ترقی قیمت نفت تا پنج سال آینده ۲۵ درصد و بالاخره احتمال ترتیب مجدد بازپرداخت بدهی‌ها با وام‌دهندگان ۵۰ درصد است.

### ب) تقاضای پول و مسئله تورم در ایران بعد از انقلاب

این سخنرانی توسط هاشم پسران، استاد اقتصاد دانشگاه کمبریج ایراد شد. وی برخلاف سخنران قبلی مشکلات اقتصادی ایران را ناشی از مصرف بیش از اندازه دانست. به نظر وی با بالارفتن قیمت نفت و افزایش تولید ناخالص داخلی، میزان مصرف نیز ترقی کرد و کاهش قیمت و درآمدهای نفتی باعث معکوس شدن این جریان شد. وی برنامه پنج ساله اول را که از ۱۹۸۹ شروع شد یک برنامه موفق دانست که باعث رشد سالیانه ۷/۱ درصد گردید، ولی چون میزان مصرف ۱۹/۵ درصد در یک سال بالا رفت، به روند رشد آسیب وارد آمد. عدم کنترل واردات وضع را بدتر کرد که نتیجه‌اش بالارفتن بدهی‌ها به دلیل مصرف بیش از حد شد.

به نظر سخنران طی چهار سال گذشته رشد بی‌رویه مصرف باعث بالارفتن کسری در موازنه پرداختها شده و بحران بدهی را سبب گردیده نه فشار آمریکا. از قضا فشار آمریکا باعث شد که ایران ۴/۱۰ میلیارد دلار از بدهی‌های

روند سیاست اقتصادی آینده.

به نظر وی از نظر اقتصادی تغییراتی صورت گرفته ولی از آنجا که منبع اصلی سرمایه‌گذاری ایران درآمدهای نفتی است، با کاهش قیمت نفت به پروژه‌های مختلف ضربه خورده‌است، ولی در عین حال تولید ناخالص داخلی هر سال بالا رفته و سرمایه‌گذاری‌ها نیز افزایش یافته و مصرف داخلی نفت و بتزین به دلیل ارزان بودن افزایش داشته است. اگر ایران با کره جنوبی مقایسه شود، ایران در وضع بدی نیست، اما مشکل عمده ایران مسئله بازدهی تولید است.

دکتر فردی معتقد است که سرمایه‌گذاری سرانه در ایران کاهش داشته و انزوای ایران باعث کاهش سرمایه‌گذاری شده‌است و از نظر مالی و پولی باید گفت که دولت ایران مواجه با کسری موازنه پرداختهاست. از طرفی تورم بسیار بالاست که از جنگ دوم تا به حال بی‌سابقه بوده و همچنین واردات افراطی باعث بالا رفتن بدهی‌ها شده ولی از دو سال پیش به این طرف دولت واردات را تحت کنترل گرفته است.

به نظر سخنران، وام‌های خارجی چهار سال گذشته باعث بالارفتن واردات و بدهی‌های کوتاه مدت شد، ولی بدهی‌های کوتاه مدت در حال کاهش است. وی در بخش پایانی سخنان خود گفت که بخش عمده تولید ناخالص داخلی بجای سرمایه‌گذاری به مصرف داخلی رسیده و به همین خاطر به‌رغم اینکه بعد از جنگ هشت ساله با عراق، ایران مدتی رشد اقتصادی داشته،

از سال پیش به بعد رشد اقتصادی کاهش یافته و مردم فقیرتر شده‌اند.

### ت) جمع‌بندی جلسه

اسفندیار معصومی که استاد اقتصاد دانشگاه متدیست جنوبی در دالاس می‌باشد، در ارزیابی سخنرانی‌های عرضه شده در این جلسه نتیجه گرفت که دولت اسلامی ایران در روند مبارزه با مشکلات اقتصادی است و با اشاره به رؤیای همیشگی ایران در مورد جانشین کردن صادرات بجای واردات گفت: "نخستین برنامه پنجساله اقتصادی ایران موفقیت‌هایی داشته ولی رشد زیاد مصرف باعث ضربه خوردن به دستاوردهای اقتصادی شده‌است."

دکتر معصومی آنگاه به تفاوت برخورد آمریکا و اروپا با ایران پرداخته و گفت: "اروپاییها آن نوع بدبینی آمریکاییان را نسبت به ایران ندارند و علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در ایران هستند. وی آنگاه به نقش بسیار زیاد دولت اسلامی ایران در امور اقتصادی اشاره کرده و گفت: "دولت اسلامی به مسئله توزیع خیلی تمرکز کرده و بیش از حد به یارانه توجه نشان می‌دهد، حال آن که یارانه‌ها از نظر اقتصادی بسیار غیرمولد هستند هرچند که تمرکز دولت به این امر ناشی از ماهیت اسلامی آن است."

به نظر سخنران یکی از مؤثرترین راهها برای کاهش مشکلات و بویژه کاهش کسری موازنه پرداختها و تأمین درآمد برای دولت، اصلاح سیستم مالیات و سیستم درآمد است. راه دیگر، توسعه تجارت و رقابت می‌باشد. نامبرده

موافقان و مخالفان در مورد حکومت اسلامی اشاره نمود و گفت که برخلاف ایرانیان خارج از کشور، ایرانیان داخل معتقدند رژیم اسلامی به‌رغم وضع خراب اقتصادی همچنان پابرجا خواهد ماند. وی آنگاه با استناد به مباحث ماکس وبر، جامعه‌شناس برجسته آلمانی در مورد انواع حکومت و رهبری، گفت که حکومت و رهبری در ایران بعد از انقلاب از نوع رهبری کاریزمایی بوده که براساس آن آیت‌الله خمینی (ره) در مرکز اصلی قدرت قرار داشته و مقامات حکومتی نسبت به او وفادار بودند. وی آنگاه به سازمانهای تازه تأسیس بعد از انقلاب اشاره کرد و به تشریح ساختار حکومت رسمی پرداخت. به نظر وی دفتر مقام رهبری، مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه و شورای عالی قضایی چهار رکن اصلی حکومت بوده‌اند. سخنران آنگاه به مشکلات مبتلا به حکومت اسلامی در رابطه با ساختار مذکور پرداخته و با تقسیم‌بندی مسلمانان به چهار گروه بنیادگرایان، سنت‌گرایان، مدرنیستها و پراگماتیستها و اختلافات آنها در برخورد با مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نتیجه گرفت که این مشکلات و اختلافات باعث گردید که آیت‌الله خمینی (ره) دست به یک سری اصلاحات بزند. از آن جمله اینکه در ۱۹۸۸ دستور ایجاد مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی را صادر کند و به دولت اختیارات جدید اعطا نماید، شورای عالی قضایی منحل گردد و شرط مرجع تقلید بودن برای مقام ولی فقیه از قانون

نسبت به سیاستهای آمریکا علیه ایران ابراز نگرانی کرده و با تأکید به روابط گذشته دو کشور گفت اگر آمریکا بخواهد می‌تواند راهی برای برقراری روابط پیدا کند.

در برنامه پرسش و پاسخ این جلسه مسئله سازگاری بنیادگرایی اسلامی و رشد اقتصادی و مسئله بدهی‌ها و سوء مدیریت مطرح و پاسخهای متعددی عرضه شد.

دو سخنران بین اسلام و رشد اقتصادی سازگاری دیدند. هاشم پسران مجدداً به سوء مدیریت و مبارزه سیاسی جناحهای مختلف اشاره کرد و روی کار بودن چهره‌ای چون حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را برای بهبود اقتصاد لازم دانست. دکتر وکیلی مسئله بدهی‌های خارجی و تحریم آمریکا را مضر به اقتصاد ایران دانست و دکتر فردی ایران را به آدم فلجی تشبیه کرد که بیش از حد بار می‌کشد. به نظر وی ایران فرصتهای زیادی برای رشد دارد منوط به اینکه مسائل سیاسی را حل کند.

### ۳. جلسه دوم: شرایط سیاسی ایران

در این جلسه نیز سه سخنرانی در رابطه با موضوع فوق عرضه گردید:

#### الف) تغییرات سیاسی در ایران انقلابی

تغییرات سیاسی در ایران انقلابی عنوان بحثی بود که فرزین نصری، استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا مطرح ساخت.

دکتر نصری در ابتدا به دیدگاههای

و ضوابط بین‌المللی از لحاظ عملکرد داخلی نیز به معیارهای دموکراسی نزدیک است و به عبارتی از همه ممالک خلیج فارس دموکراتیک‌تر است. در کل سیاست خارجی ایران پیچیده است: از یک طرف با ممالک شمال خلیج فارس رابطه خوب دارد و با ممالک جنوب منطقه رابطه تعرضی داشته است. به نظر گرین سیاست آمریکا مانع از ایفای درست نقش ایران در منطقه می‌شود حال آنکه حق ایران است که در آنجا نقش داشته باشد. با توجه به فعالیت آزاد آمریکا در خلیج فارس نگرانی ایرانی‌ها نسبت به مقاصد خصمانه آمریکا علیه خود قابل درک است بخصوص که "گینگریج" ۲۰ میلیون دلار برای سرنگونی حکومت ایران پیشنهاد داده و لوابیح "داماتو" علیه ایران نیز به تصویب رسیده و دولت کلینتون پیوسته متحدان را ترغیب به مزوی کردن ایران می‌کند. به نظر وی باید دولت آمریکا بجای تلاش برای سرنگونی رژیم تهران که تلاش بی‌ثمری است، کاری کند که منافع مردم و شرکتهای آمریکایی تأمین شود و لذا بهتر است سیاست تشویق و تنبیه را به کار گیرد.

#### پ) اوضاع رسانه‌ها و سیاست در ایران

ویلیام رویس، از رادیو صدای آمریکا، موضوع سخنرانی خود را به اوضاع رسانه‌ها و سیاست در ایران اختصاص داده بود. وی در ابتدا با اشاره به تجربه چند ساله خود در مورد ایران گفت: "باید در برخورد با جمهوری اسلامی ایران بسیار عاقلانه و منطقی

اساسی حذف شود. سخنران با مقایسه شرایط فعلی سیاسی با دهه اول انقلاب گفت: "در حال حاضر جمهوری اسلامی پراگماتیست‌تر و متحول‌تر از قبل شده و بخاطر تغییراتی که در قانون اساسی صورت گرفته، راه همکاری بین دولت و مدیرنیستها هموارتر شده و دولت اسلامی بیشتر بطرف پراگماتیسم حرکت می‌کند و به همین دلیل است که تعداد زیادی از مردم ایران معتقدند این نظام روی کار باقی خواهد ماند. ولی در عین حال باید توجه شود که دولت با مشکلات زیاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست به گریبان است و حرکت دولت به سوی پراگماتیسم معنایش حل خودبه‌خودی این مشکلات نیست.

#### ب) سیاست خارجی ایران: چالشها یا فرصتها

این سخنرانی توسط جرالد گرین از مؤسسه تحقیقاتی رند ایراد شد.

دکتر گرین با تأکید به اهمیت نقش منطقه‌ای ایران یادآور شد که بدون توجه به این نقش و بدون همکاری ایران و عراق، امنیت منطقه خلیج فارس حاصل نمی‌شود. وی آنگاه دیدگاههای مختلف در مورد ایران را بر شمرد و گفت براساس یک دیدگاه، ایران حامی تروریسم بوده و در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌باشد و رفتاری تعرضی دارد، با صلح خاورمیانه مخالف است و در کل با ثرمها و قوانین بین‌المللی همراهی نمی‌کند. در مقابل این دیدگاه نگرش دیگری هست که براساس آن جمهوری اسلامی ضمن احترام و عمل به اصول



فشارهای سیاسی و امثال آن گفت که برخلاف آنچه که گفته می‌شود، جمهوری اسلامی ایران ماهیت ضد دموکراتیک دارد. وی ضمن تأکید به رفتار سخت‌گیرانه جمهوری اسلامی علیه اقلیتهای مذهبی، به تلاشهای نظامی و بخصوص تمرکز وزارت دفاع ایران به امر تخصص و نیروی دریایی و هساهدگی نیروی هوایی و دریایی پرداخته و این تلاشها را مایه نگرانی آمریکا و ممالک منطقه دانست و اضافه کرد که تلاشهای هسته‌ای ایران نیز از جمله مواردی است که دولت کلبیتون را بشدت نگران ساخته است.

#### ۴. جلسه سوم: بخش نفتی ایران

سخنرانی‌های عرضه شده در این جلسه به قرار زیر است:

#### الف) ایران و اوپک

این سخنرانی توسط دکتر پرویز مینا، مشاور شرکت نفت بین‌المللی پاریس انجام گرفت.

دکتر مینا با تأکید به اهمیت روزافزون نقش اوپک، به عدم تعادل بین اوپک و ممالک غیراوپکی تولیدکننده نفت اشاره کرده و سیاست زده شدن تجارت نفت طی دو دهه گذشته را که باعث نوسانات بی‌رویه قیمت نفت شده مورد توجه قرار داده و موقعیت ایران را در این سازمان ضعیف دانست. وی در همین رابطه گفت: "با اینکه دو سوم از یک تریلیون بشکه ذخایر نفتی جهان در کشورهای عضو اوپک واقع شده، اما

عمل شود." وی آنگاه به اختلافات آمریکا و ایران پرداخته و پیشنهاد نمود که بهتر است طرفین طی چند جلسه نشست مستقیم به گفتگو بنشینند و خواسته‌ها و مسائل یکدیگر را مطرح کنند تا راهی برای رفع آن مسائل پیدا شود. به نظر دکتر رويس نظر مردم داخل ایران با دیدگاههای ایرانیان خارج از کشور و مقامات دولت ایران فرق دارد. رويس به تحولات اخیر در ایران، بویژه در بخش رسانه‌های جمعی پرداخته و گفت که از ۱۹۹۵ به بعد تغییرات چشمگیری در این مورد صورت گرفته و بسیاری از نشریات داخلی نسبت به گذشته بسیار آزاد هستند و سباحتی انتقاد می‌کنند و این نشان‌دهنده تحولی مهم در رسانه‌های جمعی بعد از انقلاب است. البته به نظر وی به‌رغم این تحولات، هنوز سانسور توسط دولت اعمال می‌شود. نامبرده در خاتمه اضافه کرد که مردم ایران، از جمله هنرمندان، اساتید، نویسندگان و غیره چه طرفدار اسلام یا ملی‌گرا، اکثراً مخالف براندازی حکومت فعلی و خواهان اصلاحات در چارچوب همین حکومت هستند.

#### اظهارات کنت تیمرمن، ناشر "ایران بریف"

وی که نسبت به جمهوری اسلامی موضع بسیار خصمانه‌ای دارد به عنوان بحث‌کننده جلسه بجای ارزیابی سخنرانی‌های عرضه شده به ابراز موضع خود علیه دولت ایران پرداخت. وی با تکرار اتهامات و شعارهای قبلی در مورد نقض حقوق بشر و تلاشهای نظامی و هسته‌ای ایران و ناآرامی‌های داخلی و

شرکتهای نفتی بین‌المللی همکاری کند؛ شرایط را برای جلب سرمایه‌های خارجی فراهم نماید؛ فعالیت در زمینه بازاریابی و تصفیه نفت در ممالک مصرف‌کننده را اعاده کند؛ برنامه فشرده آموزشی تکنیکی را دنبال کند؛ منابع وسیع گاز را توسعه داده و مورد بهره‌برداری قرار دهد.

### ب) آینده نفت و گاز ایران

دکتر منوچهر تکین، از مرکز مطالعات انرژی جهانی در لندن پیرامون آینده نفت و گاز ایران به ایراد سخن پرداختند.

دکتر تکین پس از ذکر مقدمه‌ای در مورد اهمیت تولید نفت و گاز به عنوان منبع عمده درآمد ایران یادآور شد که درآمدهای آینده ایران به عواملی چون قیمت و تقاضا برای نفت، ظرفیت تولیدی ایران، مصرف داخلی و میزان تولید و صدور گاز کشور بستگی دارد. به نظر وی قیمت نفت در دهسال آینده احتمالاً پایین خواهد ماند ولی تا وقتی که ایران بتواند سطح تولید فعلی را حفظ و توسعه دهد و میزان مصرف داخلی نفت را کنترل کند، بازار برای نفت خواهد داشت. به نظر نامبرده ظرفیت کنونی تولید نفت در مقایسه با حجم ذخایر نفتی کشور بسیار کم است.

وی اضافه کرد که بیشترین سهم تولید در آینده همچنان از میدانهای نفتی قدیمی که حداقل ۳۰ سال از آنان بهره‌برداری شده، تأمین خواهد شد که برای توسعه آنها متخصص و تکنولوژی پیشرفته، مدیریت مجرب و سرمایه‌گذاری سنگین در حد ۲ میلیارد دلار در

تولید این سازمان فقط دو پنجم کل تولید نفت جهان است، حال آنکه ۶۰ درصد تولید نفت در دست ممالک غیرعضو اوپک است که فقط ۲۵ درصد ذخایر نفتی جهان را دارا هستند." به نظر وی طی دو دهه فعالیت اوپک، قیمت نفت پیوسته در حال نوسان بوده و از ۲/۵ دلار در بشکه در ۱۹۷۳ به ۳۶ دلار در ۱۹۸۰ و به ۸ دلار در ۱۹۸۶ و مجدداً به ۳۵ دلار در ۱۹۹۰ رسید و در حال حاضر بین ۱۷ تا ۱۸ دلار در نوسان است. این نوسانات شدید به عقیده وی بخاطر درگیری‌ها و رقابتهای سیاسی و جنگها و آشوبهای خاورمیانه بوده‌است که این کشورها را از اهداف اصلی اوپک دور ساخته است.

دکتر مینا با اشاره به حجم تولید ۶/۲ میلیون بشکه نفت در روز توسط ایران قبل از انقلاب به موقعیت تعیین‌کننده ایران در اوپک در آن زمان اشاره کرده و گفت: "بعد از انقلاب بخاطر فقدان مدیریت حرفه‌ای و کمبود سرمایه و مشکل تأمین منابع مالی خارجی و بخاطر انزوای سیاسی، صنعت نفت و گاز ایران بشدت ضربه خورده و تولید کاهش یافته و بخاطر اختلافات ایران با دیگر ممالک عضو اوپک، ایران موقعیت برتر خود را از دست داده و اکنون عربستان در موقعیت برتر قرار گرفته است." به نظر وی میزان صادرات نفتی ایران بخاطر مشکلات فوق و افزایش مصرف داخلی کاهش یافته و اگر وضع ادامه یابد در پایان قرن به سطح ۱/۷ میلیون بشکه سقوط می‌کند. دکتر مینا معتقد است که ایران می‌تواند موقعیت ممتاز گذشته را به دست آورد، مشروط به اینکه با

داخلی را نیز بکار اندازد؛ شائبه برای کنترل مصرف داخلی نفت، قیمت‌ها را بالا ببرد؛ ثالثاً برای تأمین نیازهای داخلی به اندازه کافی تصفیه خانه ایجاد نماید؛ رابعاً یازانه‌های داخلی را که سالیانه بیش از ده میلیارد دلار در بخش انرژی می‌باشد کاهش و قیمت بنزین، نفت گاز و نفت سفید برای مصرف داخلی را بالا ببرد. به نظر سخنران از ۱۱ پروژه نفتی سال ۱۹۹۵ بهتر است بعضی از آنها دنبال و در مورد بقیه تجدید نظر صورت گیرد. دکتر فشارکی در رابطه با چالش‌های جهانی گفت: "احتمالاً ایران به دلیل فشار تحریم آمریکا فرصت تاریخی برای فراهم کردن خطوط لوله نفتی برای انتقال نفت آسیای مرکزی را از دست خواهد داد. از طرفی صدور گاز ایران از خط لوله پاکستان به هندوستان، با رقابت جدی قطر مواجه خواهد شد؛ زیرا هندوستان هرگز گازی را که از طریق پاکستان عبور کند، نخواهد خرید." سخنران اضافه کرد که تحریم و فشار آمریکا باعث شد ایران برای بازاریابی نفت خود با مشکل روبه‌رو شود ولی به نظر می‌رسد این مسئله حل شده‌است، بخصوص که با توجه به ۵۰ کشور متقاضی نفت ایران، دولت اسلامی یک سازوکار پیشرفته بازاریابی در سراسر جهان ایجاد کرده‌است. به نظر دکتر فشارکی ورود نفت عراق به بازار باعث پایین ماندن قیمت نفت بین یک تا سه سال آینده خواهد شد و درآمد نفتی ایران در چند سال آینده بین ۱۰ تا ۱۴ میلیارد دلار نوسان خواهد داشت. نامبرده در خاتمه اضافه کرد که درآمد نفتی آینده ایران به عواملی چون تنظیم منطقی قیمت‌های نفت و کاهش

سال لازم است که البته میدانهای گاز را نیز شامل می‌شود. به نظر سخنران، مقامات ایرانی و از جمله مجلس کشور نسبت به این نیاز کاملاً آگاه هستند و تلاش خود را می‌کنند ولی فشارهای سیاسی بین‌المللی ممکن است به این تلاشها ضربه بزند.

دکتر تکین ضمن تأکید به بالا بردن حجم صادرات نفت گفت: "دولت باید مصرف داخلی نفت و بنزین را کاهش دهد." به نظر وی تولید گاز ایران سیر صعودی داشته و عملکرد نفتی کشور نیز به رغم بعضی از ارزیابی‌های منفی بعد از انقلاب چندان بد نبوده‌است. باید توجه شود که ایران تجربه حداقل ۵۰ ساله در صنعت نفت دارد و جنگ با عراق باعث شد ایران به خود متکی شود و لذا باید قبول کرد که جمهوری اسلامی در این مورد دستاوردهایی نیز داشته‌است. به نظر سخنران تولید نفت ایران در آینده همچنان ادامه خواهد داشت هرچند که ممکن است، بدلیل فشارهای ناشی از تحریم و مشکلات دیگر، اهداف مورد نظر تأمین نشود.

### پ) صنعت نفت ایران: چالشهای ملی و بین‌المللی

این سخنرانی توسط دکتر منوچهر فشارکی از مرکز شرق-غرب در هاوایی ایراد شد.

به نظر دکتر فشارکی ایران برای مقابله با چالشهای تجاری در رابطه با صنعت نفت قبل از هر چیز باید سعی کند سرمایه و تکنولوژی خارجی را جلب نماید و در عین حال سرمایه

است. از آنجایی که صنعت نفت همیشه بخش عمده اقتصاد بوده متأسفانه اتکاء به درآمدهای نفتی باعث تنبیل شدن دولت در ۳۰ سال گذشته شده و مانع از آن شده که بخش خصوصی در این صنعت فعال و سهم شود و لذا کارآیی صنعت نفت کم بوده است.<sup>۲</sup> به نظر دکتر ورزی برای بهبود وضع صنعت نفت لازم است که هزینه‌های تولید نفت با استفاده از تکنولوژی جدید و سیستم ماهواره‌ای و غیره کاهش داده شود و بخش خصوصی در آن سرمایه‌گذاری کرده و در امر تولید و توزیع سهم شود که به نفع کشور تمام خواهد شد.

#### ث) اظهارات حسین ابن‌یوسف

حسین ابن‌یوسف، رئیس شرکت نفت بین‌المللی که به عنوان بحث‌کننده جلسه به جمع‌بندی کلی از سخنرانی‌ها پرداخت، در کل نظر خوش‌بینانه‌ای عرضه نمود. وی ضمن تأکید به تغییرات مثبت در صنعت نفت گفت: "بسیاری از متخصصان خارجی نسبت به اوضاع صنعت نفت ایران اطلاع کمی دارند و یا اصلاً اطلاعی ندارند." وی گفت کاهش تولید نفت ایران که این همه بدان تأکید می‌شود در واقع قبل از انقلاب اسلامی شروع شده بود. در ضمن باید جنگ هشت ساله و آثار مخرب آن بر تأسیسات نفتی ایران در نظر گرفته شود. وی گفت ایران همان روند دهه‌های گذشته را دنبال می‌کند و لذا شرکت‌های خارجی حتی آمریکایی می‌توانند برای توسعه نفت و گاز همکاری کنند. از طرفی ایران پتانسیل زیادی برای تولید دارد. نامبرده

واردات نفتی و جلب سرمایه خارجی بستگی خواهد داشت و اگر یک تغییر جهت اساسی صورت نگیرد، درآمدهای نفتی کشور طی ده تا پانزده سال آینده قریب به ۵۰ درصد تنزل پیدا خواهد کرد.

#### ت) آینده صنعت نفت و گاز در ایران

این سخنرانی توسط دکتر مهدی‌ورزی، مدیر مؤسسه تحقیقاتی نفت و گاز کلیپورت بنسون در لندن ایراد شد.

وی در کل نسبت به آینده صنعت نفت و گاز ابراز خوشبینی نمود و یادآور شد که ایران در صورت برنامه‌ریزی صحیح و استفاده از امکانات و فرصتهای موجود می‌تواند تا پنج سال دیگر روزانه ۵ میلیون بشکه نفت تولید کند. به نظر وی تحریم آمریکا به نفع ایران تمام شده چون دولت بخاطر استخدام نکردن کارشناس خارجی سالیانه حداقل ۶۰۰ میلیون دلار ذخیره کرده است.

دکتر ورزی معتقد است که ایران با بالا بردن قیمت نفت و بنزین بایستی مصرف داخلی نفت و بنزین را کاهش و صادرات نفتی را تقویت کند. سخنران با اشاره به افزایش جمعیت و مشکلات حاصله در زمینه حمل و نقل گفت: "باید ماشینهای چهار سیلندر کم مصرف بجای ماشینهای ۸ سیلندر مورد استفاده قرار گیرند و سیستم حمل و نقل عمومی تقویت شود. دولت باید بیشتر از هر چیز سرمایه‌های داخلی را فعال کند و در بخشهای مولد به کار اندازد ولی متأسفانه تابحال عکس این قضیه جریان داشته

رژیم اسلامی وارد نمی‌شود. ایران کشور بزرگ و مهمی است که نمی‌توان آن را ندیده گرفت و رهبرانی چون آقای رفسنجانی افرادی سیاستمدار و پراگماتیست هستند. از آنجایی که آمریکا بزرگ‌ترین قدرت جهان است، بایستی در راه نزدیکی با ایران پیشقدم شده و از تلاشهای تلافی جویانه علیه ایران بخاطر سوء رفتار و تحقیر کردن آمریکا در ۱۵ سال گذشته دست بردارد و بجای تحقیر کردن ایران به فکر نزدیک شدن به این کشور باشد." به نظر وی آمریکا ضمن اعمال فشار بر ایران باید نشان دهد که علاقه‌مند به گفتگو با مقامات تهران است. نامبرده سیاست دولت کلینتون در قبال ایران را از جهاتی یک تاکتیک مبارزاتی دانسته و گفت کلینتون فردی بسیار سیاستمدار است (البته با حائلی تمسخرآمیز) و برای پیروزی انتخاباتی خیلی کارها می‌کند! سخنان در مورد تحقیر ناشی از گروگان‌گیری در تهران گفت: "آمریکا قبلاً در ویتنام و جاهای دیگر نیز همین مسئله را داشته و بر آنها غلبه کرده و لذا این بار نیز باید با این مسئله کنار بیاید و حاضر به گفتگو با ایران باشد."

#### ۵. جلسه چهارم: بررسی سیاست تحریم آمریکا علیه ایران

در این جلسه چهار سخنرانی به صورت زیر عرضه شد:

**الف) سیاست تحریم آمریکا در قبال ایران**  
این اظهارات توسط رابرت دویچ مدیر

آنگاه به تلاشهای دولت برای بهبود سیستم حمل و نقل اشاره کرده و گفت: "در حال حاضر دولت روی طرح "مترو" و دیگر وسائل از جمله تاکسی‌ها کار می‌کند که تا بحال موفقیت‌آمیز بوده‌است. از طرفی در این ارزیابی‌ها به صنعت پتروشیمی اشاره نشده، حال آنکه پیشرفت نمایانی داشته و در بخش تصفیه خانه‌ها نیز به‌رغم صدمات وارده در جنگ با عراق، وضع خیلی بهتر شده‌است. در زمینه خطوط لوله نفت و گاز نیز ایران به پیشرفتهایی دست یافته که دیگران از آن محروم هستند." وی در پایان اضافه کرد که ایران هنوز از منابع گاز خود به درستی استفاده نکرده حال آنکه تقاضا برای گاز در شبه قاره هند، ترکیه و اروپا بسیار زیاد است. وانگهی برخلاف دیگر کشورهای منطقه، ایران مشکل کارگران خارجی را ندارد.

#### سیاست متوازن در قبال ایران: تحریم و تجارت

رابرت ماسباکر سخنان میهمان که وزیر بازرگانی دولت بوش بوده، در انتقاد نسبت به سیاست مهاردوگانه و تحریم تجاری دولت کلینتون علیه جمهوری اسلامی ایران و لزوم برقراری روابط تجاری سخن گفت: "وی با تأکید به عدم تأثیر این سیاستها، بخصوص سیاست تحریم یک جانبه گفت: "با توجه به بی‌نتیجه ماندن سیاستهای مشابه دوران جیمی کارتر و ریگان می‌توان گفت تحریم کنونی نیز بی‌نتیجه بوده و فقط به مردم عادی ایران و شرکتهای آمریکایی ضربه می‌زند و در عوض شرکتهای ژاپنی و اروپایی بهره‌مند می‌شوند و آسیبی به

اداره امور شمال خلیج فارس بخش خاور نزدیک وزارت خارجه آمریکا ایراد شد.

نامبرده در توجیه سیاستهای دولت کلینتون علیه ایران سخن گفت و در ابتدا متذکر شد که وی برخلاف اقتصاددانان، تجار و سرمایه‌داران معتقد است که تحریم دارای اثراتی مثبت می‌باشد: تحریم می‌تواند به عنوان عامل تنبیه‌کننده و تنظیم‌کننده رفتار یک کشور متخلف عمل کند و از نظر روانی بر آن کشور تأثیر بسیار قوی بگذارد و در عین حال به‌رغم اثرات کم اقتصادی می‌تواند به عنوان مکمل فعالیتهای دیپلماتیک عمل کند. وی با تکرار اتهامات کلیشه‌ای دولت کلینتون علیه ایران گفت که موضع دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی بخاطر حمایت دولت ایران از تروریسم، مخالفت با صلح، تلاشهای هسته‌ای، نقض حقوق بشر و غیره می‌باشد. سخنران با ذکر این مطلب که این گونه رفتار ایران برای منافع آمریکا و جامعه جهانی خطرناک است گفت که دولت کلینتون به کمک ۳۰ کشور دیگر سعی نموده مانع از دستیابی ایران به تکنولوژی پیشرفته با کاربرد مضاعف شود که تا حد زیادی در این مورد موفق شده‌است. وی اضافه کرد که دولت آمریکا دیگر ممالک را تهدید به تحریم تجاری نموده تا تجارت آنها با جمهوری اسلامی ایران محدود شود و سعی دارد چین و کره شمالی را نیز ترغیب به انصراف از تجارت با ایران کند. البته اروپا در این مورد با آمریکا همکاری نداشته و ایران نیز از این اختلافات سوء استفاده کرده‌است. در عین حال دولت کلینتون ضمن

اعمال تحریم هیچ مخالفتی در گفتگو با ایران ندارد، ولی ایران هنوز رفتارش را عوض نکرده و همچنان پیشدار حمایت از تروریسم بوده و به تلاشهای هسته‌ای ادامه می‌دهد. وی در خاتمه خاطر نشان ساخت که بهتر است ایران بخاطر نقش تاریخی منطقه‌ای و برای ادامه این نقش دست از رفتار فعلی بردارد و گرنه باید ضربه‌های وارده را تحمل کند.

### ب) فشار اقتصادی ایالات متحده علیه ایران

این مطلب، موضوع سخنرانی ماروین زونس استاد اقتصاد سیاسی بین‌الملل در دانشگاه شیکاگو بود.

دکتر زونس در ابتدا به اهداف کلی دولت کلینتون در رابطه با سیاست تحریم علیه ایران تأکید نموده و یادآور شد که به‌رغم شکست این سیاست در نیل به اهداف اصلی مورد نظر، اعمال فشار اقتصادی همچنان ادامه خواهد یافت چون در بعضی موارد موفقیت‌هایی داشته است. اهداف کلی دولت آمریکا به نظر ماروین زونس عبارتند از: ۱. تنبیه ایران به خاطر حمایت از تروریسم و گروگان‌گیری؛ ۲. ساقط کردن رژیم اسلامی هرچند که علناً مطرح نمی‌کند؛ ۳. منصرف کردن دیگر کشورهای اسلامی از استقرار حکومت اسلامی به شیوه ایران؛ ۴. خنثی کردن تلاشهای هسته‌ای ایران؛ ۵. اثبات رهبری جهانی آمریکا پس از سقوط کمونیسم؛ ۶. نشان دادن جدی بودن آمریکا در برابر دولتهای متخلف؛ ۷. خلع سلاح جمهوری‌خواهان در انتخابات آینده؛ ۸. نشان

کم بها می‌دهد. سیاست تحریم نمی‌تواند ایران را ساقط کند. آمریکا از تغییر وضع ایران صحبت می‌کند ولی مشخصات آن را نمی‌دهد. آمریکا رشد جامعه مدنی در ایران را ندیده و در نظر نمی‌گیرد که ایران بخاطر تجربه طولانی در امر دولتمداری و حکومت با ثبات‌ترین کشور منطقه است، حتی با ثبات‌تر از ترکیه و پاکستان که دارای نوعی دموکراسی نظامی هستند و ارتش آنها در مواقع لازم مداخله می‌کند، حال آنکه در ایران چنین نیست.

دکتر احمدی اضافه کرد که مردم ایران از نظر فکری بسیار مستقل هستند و بعد از انقلاب مستقل‌تر شده‌اند و همان کسانی هستند که رژیم شاه را سرنگون و ۸ سال با عراق که تحت حمایت غرب و شرق بود، جنگیده و حتی دولت اسلامی را وادار به عقب‌نشینی در مورد بسیاری از سیاستهای محدوده‌کننده نموده‌اند. کسانی که به امید تکرار کودتای ۴۳ سال قبل سیا نشستند در رویا بسر می‌برند. مردم کشور هرچند هم که از روحانیون ناراضی باشند حاضر به سرنگونی رژیم نیستند و اجازه نمی‌دهند کسی روی استقلال آنها پا بگذارد.

#### ت) حمایت از دموکراسی و تغییر در ایران

کنت تیمرن، ناشر ایران بریف تحت عنوان حمایت از دموکراسی و تغییر در ایران به بحث پرداخت.

نامبرده که دارای مواضع بسیار خصمانه‌ای علیه جمهوری اسلامی است، در مخالفت با طرفداران لغو تحریم سخن گفته و

دادن بیهودگی شعارهایی که می‌گویند آمریکا نمی‌تواند کاری کند؛ ۹. جلب حمایت یهودیان آمریکایی و دولت اسرائیل؛ ۱۰. وادار کردن ایران به ترک مخالفت با صلح و عدم حمایت از تروریسم.

به نظر زونس دولت کلینتون توانسته به سه هدف دست یابد: توانسته رژیم ایران را تنبیه کند؛ مانع از موفقیت بنیادگرایان در جهان اسلام شود؛ و از نظر داخلی به نفع کلینتون نتیجه بگیرد. ولی این سیاست نتوانسته حکومت را ساقط نماید.

#### پ) انتخاب دیدگاه بلندمدت در قبال ایران

دکتر هوشنگ امیر احمدی استاد دانشگاه زانگورز در این مورد به بحث پرداخت. دکتر احمدی قبل از پرداختن به اصل بحث خود به نامه ۱۹۹۳ آنتونی لیک، مشاور امنیتی کلینتون که برای وی نوشته و نسبت به رفتار ایران بشدت ابراز نگرانی کرده بود و در عین حال ضمن اعتراف به اهمیت ایران نسبت به گفتگو با مقامات ایرانی در هر زمان و هر مکان ابراز تمایل نموده بود، اشاره کرد و گفت: "آمریکا دیگر تمایلی به گفتگو با ایران ندارد." به نظر احمدی روابط دو کشور در یک سال گذشته در پایین‌ترین سطح بوده است. وی یادآور شد که سیاست تحریم بر مفروضات نادرستی بنا شده بود، بدون اینکه اهمیت استراتژیکی و استعداد اقتصادی ایران را به درستی در نظر بگیرد. این سیاست، رژیم ایران را راکد و یک دست فرض کرده و به پویایی بخش غیردولتی و قابلیت ایران

۴ جلسه پنجم: فرصتهای آینده در ایران  
 در این جلسه سه سخنرانی همراه با  
 یک جمع بندی کلی عرضه شد.

### الف) فرصتهای موجود برای صنعت بین المللی نفت در ایران

این بحث موضوع سخنرانی بیژن  
 مصور رحمانی، رئیس شرکت بین المللی آپاچی  
 بود.

وی در کل با تحریم علیه ایران مخالف  
 بوده و فرصتهای موجود برای شرکتهای نفتی  
 جهان در ایران را مثبت توصیف کرد. به نظر  
 نامبرده سیاست تحریم به ضرر شرکتهای و مردم  
 آمریکا تمام شده و به رغم ادعای دولت آمریکا،  
 جمهوری اسلامی ایران درآمدهای نفتی را به  
 مصرف هزینه های رفتار غیرمستولانه بین المللی  
 نمی رساند. سخنران به تجربه طولانی ایران در  
 صنعت نفت و همکاری شرکتهای بزرگ نفتی  
 غربی تا ۱۹۷۸ با ایران اشاره کرده و گفت: "در  
 حال حاضر نیز فرصتهای زیادی برای شرکتهای  
 خارجی در صنعت نفت ایران وجود دارد.  
 "مصور رحمانی اضافه کرد که طی بیست سال  
 گذشته اکتشافات نفتی در ایران صورت گرفته و  
 هنوز میدانهای بکر و دست نخورده نفتی در این  
 کشور بسیار زیاد است. به نظر سخنران  
 تکنولوژی مورد استفاده ایران در صنعت نفت  
 حداقل بیست سال قدیمی است، حال آنکه با  
 توجه به منابع زیاد نفتی ایران و پیشرفت سریع  
 تکنولوژی استخراج و تصفیه نفت لازم است از  
 تکنولوژی جدید بهره برداری شود. نامبرده

خاطر نشان کرد که سیاست تحریم و اعمال فشار  
 برای تغییر حکومت اسلامی در کنار دیگر  
 اقدامات لازم است. به نظر وی سیاست تحریم  
 نا بحال از جهاتی مؤثر بوده؛ زیرا ارزش ریال را  
 کاهش داده، دسترسی ایران به سرمایه ها و  
 تکنولوژی خارجی را محدود و به صنعت نفت  
 ایران ضربه زده و این کشور را که گرفتار  
 بدهی های خارجی است بشدت تحت فشار قرار  
 داده هرچند که فشار اقتصادی به تنهایی قادر به  
 تغییر رژیم نیست. به نظر تیمرمن، سیاست  
 تحریم در عین حال تأثیر مورد دلخواه را بجای  
 نگذاشته چون ایران به راحتی نیازهای خود را از  
 دیگر کشورها تأمین می کند.

سخنران در ادامه گفتار به دو سناریو  
 اشاره کرده و گفت: "طبق سناریوی اول، اگر  
 رئیس جمهور ایران با فشار فزاینده رادیکالهای  
 مجلس روبه رو شود ممکن است به شیوه سنتی  
 متوسل شود، یعنی دشمنانش را از طریق  
 پذیرش سیاستهای آنها غافلگیر کند که معنایش  
 حمایت بیشتر از تروریسم بین المللی، متمرکز  
 کردن بیشتر اقتصاد و تداوم خصومت نسبت به  
 صلح خاورمیانه و آمریکا و توسل به برنامه  
 هسته ای برای شکستن انزوای خود خواهد بود.  
 براساس سناریوی دوم ممکن است ایران بخاطر  
 فشار آمریکا و بی علاقهگی تجاری ژاپن و اروپا به  
 روسیه نزدیک و در مورد کنترل راههای صدور  
 نفت و گاز آسیای مرکزی با مسکو همکاری کند  
 که در این صورت قدرت روسیه بر کنترل  
 قیمت های نفت بالا می رود." وی در پایان خواهان  
 یک سیاست جامع علیه ایران شد.



داده است. در ۱۹۹۴ ایران از حیث تولید گاز در مقام نهم ولی از نظر رشد تولید آن در صدر قرار داشت. طی دو دهه گذشته تولید گاز در ایران ۲/۱ درصد در سال رشد داشته ولی بین ۱۹۹۴-۱۹۸۴ تولید گاز ایران سالیانه ۹ درصد رشد داشته است. با توجه به رشد مصرف گاز در ممالک در حال توسعه و بخصوص خاورمیانه پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۵ تقاضا برای گاز سالیانه بین ۲/۷ تا ۳/۳ درصد ترقی کند. ایران در این میان یکی از بالاترین نسبت‌های ذخیره گاز به تولید را داراست و هنوز منابع گاز موجود در بسیاری از نقاط کشور کشف نشده است. به نظر دکتر ورزی مشکل اصلی ایران کمبود منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز است. یعنی سالیانه ۱/۵ میلیارد دلار برای این منظور لازم است که مسلماً باری سنگین بر اقتصاد یک کشور ۶۰ میلیون نفری است. تردیدی نیست که اگر فعالیتهای ایران در زمینه تولید گاز با مانع روبه‌رو نشود، می‌تواند در تأمین گاز برای مصرف جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. اینک ایران در حال همکاری با پاکستان و هندوستان جهت صدور گاز به آنهاست؛ زیرا بشدت طرفدار خرید گاز ایران هستند.

#### پ) موانع سیاسی در راه برقراری روابط اقتصادی با ایران

سخنرانی پیتز رادمین، مدیر مطالعات استراتژیکی در مرکز نیکسون بدین قرار بود. وی طی اظهارات خویش قصد داشت

اضافه کرد که ایران با تشخیص این مسئله طی پنج سال گذشته درهای خود را به روی شرکتهای خارجی گشوده و به آنها، از جمله شرکت آمریکایی کونکو، پیشنهاد همکاری داده است. ایرانی‌ها در این مورد، به نظر وی، بسیار منطقی و آزاد برخورد می‌کنند. وی در خاتمه به امکان افزایش قدرت تولید نفت به سطح ۵ تا ۶ و ۷ میلیون بشکه در روز به شرط استفاده از تکنولوژی مدرن و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران اشاره کرده و در این مورد ابراز خوشبینی نمود.

#### ب) دورنمای گاز طبیعی ایران

این سخنرانی توسط مهدی ورزی، مدیر موسسه تحقیقاتی گاز و نفت کلینورت بنسئون انجام پذیرفت.

دکتر ورزی در ابتدا به بحران نفتی ۱۹۷۳ و تمرکز جهانیان به انرژی نفتی پرداخته و یادآور شد که سهم نفت در تأمین انرژی رو به کاهش است. به نظر ورزی اگر قرن بیستم قرن نفت بوده قرن بیست و یکم قرن گاز خواهد بود؛ زیرا روند تولید و مصرف گاز بخصوص طی دو دهه اخیر سیر صعودی داشته و منابع ذخیره گاز از ۷۲ میلیارد متر مکعب به ۱۴۱ میلیارد متر مکعب افزایش یافته و طی این مدت مصرف گاز به طور متوسط ۳/۴ درصد در سال ترقی داشته و درصد افزایش تولید گاز در این مدت سالیانه ۲/۷ بوده است. در ۱۹۷۴ آمریکای شمالی با تولید ۵۶ درصد گاز جهان در صدر قرار داشت، ولی بتدریج نقش مسلط خود را از دست

ظهور و صعود اسلام در خاورمیانه صحبت می‌شد، ولی حالا چنین بحثی اصلاً مطرح نیست... حماس حالت دفاعی بخود گرفته و مسلمانان در مراکش و اردن و نقاط دیگر نیز همین وضع را دارند. وی در پایان ضمن دفاع مجدد از سیاست تحریم گفت: "اگر غرب صبور باشد، یعنی همانگونه که در مورد شوروی صبور بوده، نتیجه مطلوب تأمین خواهد شد هرچند که لازم نیست ۷۰ سال صبر کند."

### سخنان ریس بوئن اسک استاد میهمان در حقوق و اقتصاد بین‌الملل

وی به عنوان بحث‌کننده جلسه صحبت کرده و اوضاع ایران را از بعد مثبت و منفی ارزیابی کرد. به نظر وی از بعد منفی باید به رفتار ایران در حمایت از تروریسم، مخالفت با صلح خاورمیانه، تلاش‌های هسته‌ای و تقویت قدرت نظامی و نقض حقوق بشر و سوء مدیریت اقتصادی توجه شود و این مسئله در نظر گرفته شود که بی‌ثباتی در ایران با اعمال فشار اقتصادی بیشتر خواهد شد و اما از جنبه مثبت باید گفت که ایران دارای حوزه‌های بسیار فراوان و بکر و دست نخورده منابع طبیعی و معدنی است. دیگر اینکه از لحاظ نیروی کار دارای پتانسیل بسیار بالایی است ولی نیاز به آموزش بیشتر مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی در نیروی کار دارد. به نظر نامبرده شرکتهای خارجی از لحاظ امکان فعالیت در زمینه نفت و گاز فرصتهای زیادی در ایران دارند. سخنران در پایان

مشخص سازد که رفتار سوء ایران مانع از ایجاد رابطه اقتصادی با آمریکا است و لذا به نظری تحریم اقتصادی آمریکا برای اعمال فشار جهت تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران سیاست درستی است. سخنران سیاست اروپا مبنی بر ادامه تجارت همراه با گفتگوهای انتقادی با ایران را نادرست خواند و ضمن تأکید به اهمیت وجود میانه‌روها در ایران گفت معلوم نیست که چگونه می‌شود به آنها کمک کرد. به نظر نامبرده اگرچه از نظر تئوری، ایران نقش مهمی در همکاری جهانی دارد، ولی این کشور همکار مناسبی برای آمریکا نیست که دلینش سیاستهای خطرناک خارجی آن است. وی ایران را به شوروی سابق تشبیه کرده و گفت جمهوری اسلامی نیز به‌رغم ضعف داخلی از نظر خارجی بسیار خطرناک است و همانگونه که فشار آمریکا به اعتراف گورباچف باعث ضربه شدید بر شوروی شد، اکنون نیز می‌شود همان ضربه را بر ایران وارد ساخت؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران ضربه‌پذیر است. لذا با تحریم تجاری و فشار اقتصادی می‌شود ضربه کاری بر آن وارد ساخت ولی مشکل در اینجا است که اروپایی‌ها در این مورد همکاری نمی‌کنند و به همین خاطر هم هست که آنها هم تحت تحریم آمریکا قرار خواهند گرفت.

به نظر سخنران سیاست تحریم به‌رغم نتایج انتخابات امسال آمریکا همچنان ادامه خواهد یافت، بخصوص که فشارهای آمریکا تا بحال در بسیاری موارد مؤثر بوده است؛ مثلاً تا چندی قبل از اسلام‌گرایی در الجزایر، مصر و

دوگانه را بکار گرفتیم که آنهم گرچه به عراق فشار وارد آورده و علتش هم تحریم اقتصادی سازمان ملل بوده ولی سیاست موفق نبوده است. هدف اساسی این سیاست جلوگیری از دستیابی به قدرت بیشتر نظامی برای بی‌ثباتی منطقه است. ولی در مورد ایران چنین نیست، چون اگرچه ایران ممکن است در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای باشد ولی مثل عراق نیست. اگر می‌خواهیم جلوی حمایت از تروریسم را بگیریم با این سیاست نمی‌توانیم به این هدف برسیم چون سیاستهای تحریم و مهاردوگانه تا بحال تأثیر کمی بر ایران داشته و رفتار ایران هم با این فشارها عوض نمی‌شود. اصولاً با سیاست تحریم مشکل می‌توان به اینگونه اهداف رسید. بعضی‌ها فکر می‌کنند آفریقای جنوبی زمان آپارتاید بخاطر فشار تحریم سقوط کرد. حال آنکه سیاستهای نلسون ماندلا و دیکلرک در نزدیک شدن به یکدیگر زمینه تغییر در این کشور را فراهم ساخت.

ژنرال اسکوکرافت آنگاه ایران را با ممالکی چون سوریه، کوبا و کره شمالی مقایسه کرده و گفت: "سوریه هم از حزب الله و حماس حمایت می‌کند. ولی آن را مورد تحریم جدی قرار نمی‌دهیم و وزیر خارجه ما حداقل ۲۰ بار به دمشق رفته است. کره شمالی نیز از هر جهت یک دولت تروریست است و در پی تولید سلاحهای کشتار جمعی است ولی ما با کشور تروریست روابط برقرار می‌کنیم تا رفتارشان را عوض کند. چه فرقی است بین این کشورها و ایران که سیاست دیگری علیه ایران به کار

نتیجه گرفت که با توجه به جنبه‌های مثبت اوضاع ایران باید تلاش شود که چهره منفی ایران دچار تغییر و دگرگونی شود.

### سخنرانی ژنرال برنت اسکوکرافت به عنوان سخنران میهمان

اسکوکرافت که پیشتر مشاور امنیتی جرال فورد و بوش بوده طی اظهارات خویش سیاست تحریم علیه ایران را نادرست خوانده و خواستار نزدیک شدن آمریکا به ایران شد. وی پس از ارائه مقدمه‌ای در مورد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران گفت که این سیاست از ۱۹۷۱ و براساس دکترین نیکسون در مورد خلیج فارس که مبتنی بر حمایت و تقویت شاه به عنوان عامل تثبیت‌کننده منطقه بود، شروع شد. سقوط شاه نشان داد که چگونه عامل برقراری ثبات خود تبدیل به عامل بی‌ثباتی می‌شود. با انقلاب ایران دکترین نیکسون عوض شد و مسئله توازن قوا به میان آمد تا آمریکا مجبور به حضور نظامی سنگین نشود. جنگ عراق و ایران پیش آمد و آمریکا جانب عراق را گرفت، گرچه نمی‌خواستیم هیچ یک در این جنگ برنده شوند. بعد از جنگ فکر کردیم شاید بتوانیم صدام را به سوی رفتار مسئولانه سوق دهیم اما نشد و عکس آن اتفاق افتاد که تجاوز به کویت نمونه بارز آن بود. لذا نه تنها روابط ما با ایران خوب نشد، بلکه حمایت از عراق وضع را بدتر کرد و سرنگونی ایرباس ایرانی مزید بر علت شد. در اینجا نیز آمریکا شکست سیاست توازن قوا را تجربه کرد. پس از آن استراتژی مهار

چرا، چون پیروزی یلتسین را در انتخابات آینده لازم دارد." وی در خاتمه خواهان گفتگو و نزدیک شدن به ایران شد.

دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران -  
واشنگتن

می‌گیریم. مسئله اینجاست که سیاست دولت فعلی یک سیاست دو استاندارد است. مگر وضع حقوق بشر در ایران بدتر از چین و کره شمالی است. چگونه کلیتون در خلال دیدار از مسکو کشتار مردم چین را مسئله داخلی روسیه دانست و انتقادی نکرد؟ معلوم است:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی